وقتی قتاده بن ملحان در بستر مرگ بود، نزد او بودم که مردی در دورترین نقطه ی خانه عبور کرد؛ ابوالعلاء می گوید: او را در چهره ی قتاده دیدم. وی می گوید: وقتی به او نگاه می کردم گویا در چهره اش روغن است.

از ابوالعلاء بن عمیر رضی الله عنه روایت است که می گوید: وقتی قتاده بن ملحان در بستر مرگ بود، نزد او بودم که مردی از دورترین فاصله از خانه عبور کرد؛ ابوالعلاء می گوید: او را در چهره ی قتاده دیدم. وی می گوید: وقتی به او نگاه می کردم گویا در چهره اش روغن است. رسول الله صلی الله علیه وسلم چهره اش را دست کشیده بود.

[صحیح است] [به روایت احمد]

وقتی قتاده بن ملحان رضی الله عنه در بستر مرگ قرار می گیرد، ابوالعلاء بن عُمیر نزد وی می باشد که مردی از مکانی دور از خانه عبور می کند و ابوالعلاء او را در چهره ی قتاده می بیند. گویا چهره اش همچون آینه بود. و چون به صورت وی نگاه می کند از صفا و روشنی و درخششی که دارد، گویا به صورتش روغن مالیده اند؛ و این به خاطر آن بود که رسول الله صلی الله علیه وسلم صورت قتاده را دست کشیده بود. و این صفا و درخشش و روشنی به برکت دست کشیدن رسول الله صلی الله علیه وسلم به چهره ی او بود.

http://www.sunnah.global/hadeeth/fa/show/10958